

آلفیه → **سجاد فیروزی**

نگاهی به فیلم پوتیش تازه‌ترین ساخته فرانسوا اوزون

پوتیش فیلمی سیاسی، اجتماعی است



پوتیش فیلم ۱۰۳ دقیقه‌ای است که فرانسوا اوزون کارگردان نامی فرانسه آن را دهم نوامبر راهی سینما کرده است. او در این فیلم از بازیگرهای معروفی همچون کاترین دونوو (سوزان پوپول)، فابریس لوشینی (روبر پوپول)، ژرار دوپاردیو (مائوریس بابن)، کاریس ویارد (نا‌دج)، جودیت گودرش (جوئل پوپول) جرمی رینه (لوران پوپول) و... استفاده کرده است. هدف اصلی این فیلم از قید و بند رها کردن زنی خانه‌دار است که ماجرای آن به اواخر سال‌های ۷۰ میلادی برمی‌گردد. فرانسوا اوزون که اخیراً بیش از هر زمان دیگری فعال شده، ابتدا موج جدید فیلم‌هایش را با «ریکی» شروع کرد و سپس به سراغ فیلم زن‌سالارانه «پناهگاه» رفت. او این بار با ارائه فیلم پوتیش نشان داده پیش از هر زمان دیگری سرحال است. با نگاهی به نام فیلم (پوتیش در زبان عامیانه فرانسه به معنای لکه گنده است) هواداران اوزون نگران این مساله بودند که نکتد پوتیش تقلیدی طنزآمیز از دهه ۷۰ باشد. چیزی که با نگاه موشکافانه نسبت به این فیلم مشخص شد، صحت ندارد. طبیعتاً اوزون سعی کرده بسته به پوشش بازیگران، گرم‌های آنها و اشیایی که در اختیارشان قرار داده همان سال‌ها را از لحاظ دکوراسیون تداعی کند اما هر هرگز نخواسته تن به چارچوبی دهد که صرفاً مربوط به دهه ۷۰ باشد. در این فیلم با توجه به ارجاعاتی که در دیالوگ‌ها و نوع ادا شدن آنها وجود دارد مشخص است که این کارگردان فرانسوی به دنبال ساختن فیلمی اجتماعی و البته سیاسی بوده است. فرانسوا اوزون در این فیلم تصویر یک خانواده بورژوا در اواخر دهه ۷۰ در ترسیم کرده و نشان داده مسائل و نظرات آن دوره با زمان کنونی تفاوت‌هایی داشته است. این فیلم به بررسی شرایط زنی به نام سوزان پوپول می‌پردازد که دختر یکی از کارخانه‌داران ثروتمند است و در ادامه با مردی به نام روبر پوپول، صاحب یک کارخانه بزرگ ازدواج می‌کند. روبر پوپول نماد و سمبل دوره‌ای است که مرد را به چشم جنس غالب و برتر می‌دید و به زن به دیده فردی خانه‌دار که حق گفتن نظراتش را هم ندارد، نگرسته می‌شد. به این ترتیب سوزان به تمام خیره‌سری‌های همسرش گردن می‌نهد و حتی آقای پوپول چنان به زنش بی‌اعتناست که تولد او را هم از یاد می‌برد. رفتارهای روبر بسیار دور از رفتارهایی است که معمولاً باید در برابر دختری یک کارخانه‌دار بزرگ داشت. اما اوج داستان و البته داستان فیلم هم قرار است رشد شخصیتی سوزان را به تصویر بکشد که با گذر زمان خودش را از چنین تحقیرهایی نجات می‌دهد. سوزان که کارخانه همسرش به علت اعتصاب دچار بحران شده و با بیماری همسرش نیز روبه‌رو شده، خودش دست به کار می‌شود و زمام‌امور را در دست می‌گیرد. او نه‌تنها رئیس کارخانه می‌شود بلکه با ایده‌های جدید و خلاقانه‌اش باعث رشد و شکوفایی آن نیز می‌شود. پس از تسلط خیره‌کننده او بر این‌امور، سوزان در خود توانایی سیاستمدار شدن را می‌بیند و کار را با زمزمه آهنگ «آزادی قدم‌هایمان را هدایت می‌کند» از سر می‌گیرد. این درست همان شعارای است که والری گیشارد یکی از سیاستمداران و کاندیداهای ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۷۴ به آن دست یازید و این همان ارجاعی است که اوزون به خوبی از آن بهره گرفته و توانایی بی‌نظیر کاترین دونوو در خلق پرسوناژ این فیلم مزید بر علت شده تا ایده‌های این فیلم به خوبی به بیننده انتقال داده شود. اوزون چهره موفق سوزان پوپول را بدون در دوره‌ای به تصویر می‌کشد که هنوز قدرت مرد بر همه چیز می‌چربید. گذشته از چنین ساختارشکنی فرانسوا اوزون در این فیلم سعی کرده از کلاس و سطح سیاسی مختلفی هم بهره بگیرد. او ابتدا به سراغ نیکلا سارکوزی می‌رود و از جمله معروف او (کار بیشتر، عایدی بیشتر) در فیلمش استفاده می‌کند. با این حال اوزون که دوست ندارد خودش را در ایدئولوژی خاصی قرار دهنه تصمیم می‌گیرد سوزان پوپول را بدون هیچ دانش سیاسی به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری وارد این چرخه کند. او دوست داشته در «پوتیش» نشان دهد چطور چنین زنی تمام رقبای سیاسی‌اش به ویژه حزب کمونیست را از پیش‌رو برمی‌دارد و به قله افتخار می‌رسد. اوزون از طرفی از ویژگی‌های سگولن رویال (کاندیدای ریاست‌جمهوری اخیر فرانسه) نیز در این فیلم استفاده کرده و فضایی سیاسی پدیده را تا حدودی مطابق با جوی قرار داده که رویال آن را تجربه کرده است. در آخر اوزون خواسته فیلمش را که با موفقیت قهرمان به پایان رسیده با قطعاتی موسیقی به پایان برساند؛ جایی که کاترین آواز «این زندگی زیبا» را سر می‌دهد. همین یک مصرع از این شعر گویای رهایی سوزان پوپول است که با موسیقی بی‌نظیری ترکیب شده است. این موسیقی اهمیتی فوق‌العاده و حیاتی در فیلم دارد چراکه هم‌زمان با فلش‌بک‌هایی که به گذشته جنبه نوستالژیک ماجرا را بیش از پیش زیاد می‌کند و البته به خوبی بیانگر جامعه دهه ۷۰ هم است.

سکاشی‌الگری

■ **برتولوچی و یک فیلم تازه**

فیلمساز صاحب‌نام ایتالیایی درام «من و تو» را بر مبنای رمان کوتاه و پر فروش نیکلا آمانیتی نویسنده ایتالیایی کارگردانی می‌کند. «من و تو» درامی با موضوع رسیدن به سن بلوغ است و آمانیتی فیلمنامه را با همکاری برناردو برتولوچی می‌نویسد. برتولوچی که اخیراً از سوی موزه هنر مدرن مورد تقدیر قرار گرفت، در گفت‌وگو با یک روزنامه ایتالیایی در نیویورک از

پروژه جدید خود خبر داد. بخش زیادی از داستان «من و تو» در رم روی می‌دهد و درباره یک پسر نوجوان درونگراست که خود را از دیگران پنهان می‌کند. او در این مدت با خواهر ناتنی بزرگ‌ترش که خیلی او را نمی‌شناسد، برخورد می‌کند؛ خواهری که معتاب به هرویین است و اکنون به او نیاز دارد. برتولوچی درباره پروژه جدید خود به روزنامه کوریره دالاسرا گفت: «این داستانی است که رویا و واقعیت را درهم می‌آمیزد و بیانگر رشد و رسیدن به سن بلوغ است.» او افزود: «این رمان کوتاه به من انگیزه زیادی داده تا خیلی زود سر کار برگردم.» «من و تو» اولین فیلم بلند سینمایی برتولوچی پس از درام سال ۲۰۰۳ «خیال‌باف‌ها» به موضوع وقایع سال ۱۹۶۸ پاریس است. کارگردان ۷۰ ساله متولد پارما از آن زمان تاکنون به خاطر مشکلات ناشی از فتق و دیسک کمر فعالیت نداشته است. پروژه «من و تو» در مراحل اول قرار دارد و هنوز حضور هیچ تهیه‌کننده‌ای تأیید نشده است. برتولوچی همچنین گفت فعلاً برنامه‌ای برای ساخت پروژه انگلیسی‌زبان خود درباره زندگی پرآشوب گسوالدو دا ونوسا موزیسین و قاتل ایتالیایی قرن شانزدهم ندارد؛ پروژه‌ای که چند سال روی آن کار کرد.

■ **همکاری دوباره اسکورسیزی و دونیرو**

مارتین اسکورسیزی و رابرت دونیرو در فیلمی مافیایی درباره فرانک «ایرلندی» شیران، آدمکش حرفه‌ای برای نهمین بار همکاری می‌کنند. به گزارش خبرنگاران، آل پاچینو، جو پاشی و هاروی کایتل دیگر بازیگرانی هستند که احتمالاً در این فیلم نقش آفرینی می‌کنند. اسکورسیزی و دونیرو آخرین بار سال ۱۹۹۵ در درام «کازینو» کنار هم قرار گرفتند. فیلمنامه «ایرلندی» را استیو زیلیان بر مبنای کتاب «شنیدم خانه‌ها را رنگ می‌زنی» اثر چارلز برانت نوشته که سال ۲۰۰۴ منتشر شد. خیلی‌ها اعتقاد دارند فرانک «ایرلندی» شیران که عضو رسمی اتحادیه کارگری بود در قتل جیمی هافا رئیس اتحادیه در سال ۱۹۷۵ نقش داشت. او همچنین یکی از تنها دو مظنون مافیای در فهرست پلیس فدرال امریکا (اف‌بی‌آی) بود. شیران دسامبر ۲۰۰۳ در یک آسایشگاه سالمندان در فیلادلفیا درگذشت. برانت کمی پیش از مرگ شیران با او دوست شد. در جمله قتل‌هایی که شیران پیش او اعتراف کرد قتل هافا بود که به دستور راسل فالبلیو رئیس یک گروه تبهکار صورت گرفت. «شنیدم خانه‌ها را رنگ می‌زنی» عبارتی در زبان عامیانه تبهکاران و درباره قتل‌های قراردادی و نتیجه آن است که با پاشیدن خون روی دیوارها و کف زمین همراه است. خبر ساخت فیلم گانگستری جدید اسکورسیزی و دونیرو اولین بار حدود دو سال پیش اعلام شد.

۱۵ سینمای جهان

گفت‌وگو با فرانسوا اوزون به خاطر اکران موفق تازه‌ترین ساخته‌اش در جهان

زن‌ها همیشه می‌جنگند

◀ ترجمه: **سجاد فیروزی**

– شما از زمان نوشتن فیلمنامه به کاترین دونوو فکر می‌کردید. در این فیلم به او نقش یک خانم خانه‌دار که با پخت و پز و این جور مسائل سرو و کار دارد و البته خانمی است که حاضر است تحقیر را بپذیرد، داده‌اید. چرا؟
– من به طور جدی دوست داشتم دوباره با کاترین کار کنم. در فیلم «هشت زن» از رابطه کاری که داشتیم کمی دلسرد و ناراحت شدم و می‌خواستم این رابطه را با ساختن فیلمی جدید صمیمی کنم. دوست داشتم فیلمی سیاسی بسازم و در این مورد با کاترین راجع به «پوتیش» یک نمایشنامه که نویسنده آن «باریه» و «گره‌دی» هستند صحبت کردم. کاترین هنرپیشه باهوشی است که همیشه آمادگی ریسک کردن دارد و خب، او هم خیلی زود پذیرفت. او که در این فیلم نقش سوزان پوپول را بازی می‌کند رهایی از قید و بندهایی که این زن را اسیر کرده موفقیت‌آمیز دانست و آن را هم‌ردیف داستان روکی (Rocky) می‌دید. در تئاتر آن خانمی که این نقش را بازی می‌کرد باید تلاش می‌کرد تا مخاطب را جذب کند و به همین علت نمی‌شد باور کرد که آن زن، زنی رنج‌دیده و عذاب‌کشیده است اما کاترین کاملاً برعکس آن هنرپیشه خودش را کاملاً غرق در نقش آفرینی پوپول کرد؛ خانمی که ابتدا مطیع و فرمانبردار است و سپس فاتح و پیروز می‌شود.

– در این فیلم، فابریس لوشینی نقش شوهر کاترین را بازی می‌کند و ژرار دوپاردیو رویه‌روی او ایفا نقش می‌کند. این موضوع از اول مشخص شده بود؟
اینکه ژرار در فیلم نقش دل‌باخته کاترین را ایفا کند، در اصل داستان وجود نداشت. این خواست و علاقه سینمادوستان بود که این زوج اسطوره‌ای را در این فیلم ببینند و سپس خواسته اسپانسر فیلم هم مزید بر علت شد. فابریس لوشینی را در فیلم «رومر» خیلی دوست داشتم و آنجا او را دیدم. او بیشتر حال و هوای تئاتر دارد و فکر کردم جالب می‌شود او را مقابل دونوو بازی دهم. این اولین باری است که این دو هنرپیشه کنار هم قرار می‌گیرند.

– کار کردن و بازی گرفتن از چنین شخصیت‌هایی عصبی‌کننده نبود؟
اصلاً هنگام فیلمبرداری من کاملاً راحت بودم. فیلم توسط هنرپیشه‌هایی رقم می‌خورد که اصلاً جای نگرانی نداشت. آنها کارشان را به خوبی بلد بودند و فیلمبرداری به نحو احسن انجام شد.

• ……….▶ ترجمه: امیرعلی نراقی.

گفت‌وگو با ژرار دوپاردیو درباره رودرویی دوباره با کاترین دونوو در فیلم «پوتیش»

کاترین دونوو یک مبارز است

«ژرار دوپاردیو» از زمان‌های بسیار دور عاشق بازی در کنار «کاترین دونوو» دیگر هنرپیشه معروف سینمای فرانسه بود و تلاش کرد این احساس را در قالب سینما و فیلم بروز دهد.

فیلم «پوتیش» آخرین ساخته «فرانسوا اوزون» –ایین فرصت را فراهم آورد تا این دو برای هفتمین بار در کنار یکدیگر هنرنمایی کنند. این اتفاق در حالی رخ داده است که عمر بازیگری «دوپاردیو» در سینما به مرز ۳۰ سالگی رسیده و حالا گرد پیری نیز چهره‌اش را بیشتر پوشانده است. «جیم مورو» در فیلم «ژول و ژیم» آواز «گناهان دیگری را گم کرده بود و حالا دوباره یکدیگر را یافتیم…» را با زیبایی هرچه تمام‌تر می‌خواند. این قطعه آواز بی‌شباهت به روزگاری که ژرار و کاترین داشته‌اند، نیست. این دو آخرین باری که در کنار یکدیگر قرار گرفته بودند در فیلم «آخرین مترو» بود. «فرانسوا اوزون» کارگردان فیلم «پوتیش» وقتی می‌خواهد دلیل انتخاب دوپاردیو را برای بازی در فیلمش توضیح دهد تنها به یک جمله بسنده می‌کند: «وقتی آثار رمانتیکی را که دونوو در سینما بازی کرده تجسم می‌کنیم بی‌درنگ برای نقش مقابل ژرار دوپاردیو به ذهن می‌آید.» در فیلم «پوتیش» دونوو و دوپاردیو که در زمان جوانی مخفیانه یکدیگر را دوست داشته‌اند این بار در کهنسالی یکدیگر را بازی‌می‌یابند.

کاترین نقش بورژواسی را بازی می‌کند که همسر یک کارخانه‌دار است که کارخانه‌اش به علت اعتصاب بلوکه شده و ژرار نماینده کمونیستی است که روزهای بد و خوبی را تجربه می‌کند. در این فیلم و به گفته فرانسوا اوزون کاترین دونوو نقش سگولن رویال (سیاستمدار زن فرانسه) را ایفا می‌کند و ژرار دوپاردیو قرار است نقشی آمیخته

سال پنجم ■ ۱۱۳۹ ■ دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۹

شرق

• کارهای فرانسوا اوزون هرگز قابل پیش‌بینی نیست. او از سال ۱۹۹۸ که اولین فیلم بلند خود به نام sitcom را ساخت تقریباً هر سال اثری از خودش خلق کرده است؛ چیزی که در فیلم‌های او شگفتی خیلی‌ها را موجب شد تغییر ژانر است. برای اوزون این کار نه‌تنها دشوار نبود، بلکه کاملاً برعکس، با چنان سادگی حیرت‌آوری این کار را می‌کرد که خیلی‌ها انگشت حیرت به دندان گرفتند. او پس از فیلم «پناهگاه» که پرتره حساس و ظریفی از زنی در حال فرار را نشان می‌داد، دوباره تغییر سبک داده است. او حالا با فیلم جدیدش به نام «پوتیش» خود را به جامعه هنری معرفی کرده که لقب بهترین کمدی سال را یدک می‌کشد. این فیلم هجویه و انتقادی سیاسی است که به یک مقاله فمینیستی ساده خلاصه نمی‌شود. در پوتیش، کاترین دونوو، نقش اساسی و اول فیلم را ایفا می‌کند و در کنار خود هنرپیشه‌های دیگری مثل فابریس لوشینی، ژرار دوپردیو، کارین ویارد و جودیت گودرش را می‌بینید. اما چطور فرانسوا اوزون توانسته چنین بزرگانی را کنار یکدیگر جمع کند و از آنها بازی بگیرد، موضوعی است که خودش به تنهایی باید پاسخگو آن باشد.



که این خود به نوعی بیانگر جامعه کنونی ماست. – بعد از فیلم پناهنده انگار موضوع یکی دیگر از فیلم‌های شما باز هم زنی است که آزادی‌اش را به دست می‌آورد. انگار شخصیت زنان بیشتر از شخصیت مردها برای شما جذاب است.

مردها همه چیز را از بدو تولد دارند، پس آنها نیازی به جنگیدن ندارند. در عوض زن‌ها باید برای از بین بردن موانع پیش رویشان همیشه مبارزه کنند و این چیزی است که شخصیت آنها را جذاب‌تر می‌کند.

◀ گفت‌وگویی

–در فیلم «پوتیش» صحنه‌ای وجود دارد که شما و دونوو مدت زمان طولانی به دوربین نگاه می‌کنید، انگار می‌خواهید همین تفاهمی را که می‌گویید نشان دهید.
من نه، ولی او زمان زیادی به دوربین نگاه می‌کند و به نظر قم هم دارد. او می‌خواهد فلش‌بکی به گذشته بزند و من اقتدار را در چشمان می‌زها را بخرد.
–با گذر زمان کارگردانی مثل «تشنیه» و «وزون» سعی کرده‌اند دوستی‌های عمیق شما دو نفر را به تصویر بکشند. در این مورد چه نظری دارید؟
خوب است. در این همه مدت ما ذهن همدیگر را به راحتی می‌توانیم بخوانیم و در کار کاملاً با یکدیگر تفاهم داریم.

